

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته فلسفه و کلام اسلامی

عنوان:

خدا در اندیشه افلاطون و ارسطو

استاد راهنما:

حجت الاسلام دکتر سید محمود موسوی

استاد مشاور:

حجت الاسلام دکتر احمد واعظی

نگارش و پژوهش:

صفیه رکوفیان

1388

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقدی م به:

سبزترین ترانه زندگی ام

به پاس مهربانی هایش

مادرم

و او که خاطرش همیشه جاویدان است

پدرم

چکیده:

در حالی که جامعه یونان باستان گریبان‌گیر عقایدی خرافی در باب حقیقت عالم و خدایان اسطوره‌ای و انسان‌وار بوده، از قرن پنجم قبل از میلاد مسیح و با ظهور اندیشمندانی که در ابتدا تلاششان تبیین امور و تغییرات عالم پیرامون بوده، دچار تحول تدریجی شد و سیر تفکر بشری به سوی رسیدن به یک اصل و منبع واحد برای هستی موجودات به پیش رفت، تا حدودی که نظرگاه بشر از امور مادی فراتر رفت و تحلیل‌ها از حقیقت از یک عنصر مادی و یا شبه آن به اموری ماورائی و ثابت در فلسفه افلاطون ارتقاء یافت.

افلاطون با طرح نظریه مُثُل و قرار دادن مثال خیر در رأس همه امور مادی و مجرد و آوردن توصیفات متعالی برای آن شایسته‌ترین موجود برای خدا بودن را به تشبیه و توصیف در آثارش به خصوص به خصوص جمهور ترسیم نمود. اما نام خدا را مستقیم و بدون شائبه بر آن نگذاشت و هر چند جنبه‌ای از فعلی خدا در عالم را تحت عنوان دمیورژد در *تیمائوس* معرفی می‌نماید، اما با این حال تحت تاثیر افعال جامعه یا به اقتضای فهم خوانندگان آن روز آثارش باز هم از خدایان سخن رانده و چهره افلاطون الهی در نظر متألهان را تا حدودی خدشه‌دار نمود.

اما ارسطو با فاصله گرفتن از تعابیر عرفانی و گاه شاعرانه به تبیین منطقی نظام عالم پرداخته و خدا را محرک نخستین و علت حرکت فلک اعظم دانسته و برای نخستین بار اصل و مبدأ فلسفی عالم را خدا معرفی کرد! اما چون دغدغه اصلی او الهیات نبود از پرداختن به چگونگی ذات و صفات و افعال او کوتاهی نمود و انتقادات بسیاری را متوجه خود نمود، از این جهت که خدا در آثار او عالم به اشیاء و خالق و یا مدبر و هادی معبود نمی‌باشد با خدای ادیان ابراهیمی متفاوت است. همان‌گونه که مثال خیر افلاطون نیز با وصف خالقیت و ربوبیت و معبودیت نیامده است، اما به هر حال واضح است که خدای فلسفه افلاطون و ارسطو با خدایان انسان‌وار اسطوره‌ها فاصله بسیار دارد و می‌توان تبیین‌هایی بسیار نزدیک به خدای فلسفه اسلامی را از عبارات آنان برداشت نمود.

فهرست مطالب

1	مقدمه
3	فصل اول: کلیات
4	مفهوم شناسی
4	افلاطون (438/7 ق.م - 348/7 ق.م)
4	ارسطو (384/3 ق.م - 322/1 ق.م)
5	ایده (مثال، <i>Idea</i> / صورت، <i>Form</i>)
6	«خدا»: (الله / <i>God</i>)
7	«خیر» (<i>Bien, Good</i>)
7	در اصطلاح فلسفی آن:
8	«دمیورژ (صانع، <i>Demiurgos</i>)
8	محرك (<i>moteur</i>)
9	پیشینه بحث
10	ضرورت بحث
11	بیان مسأله
فصل دوم: خدا در اندیشه افلاطون	
Error! Bookmark not defined. خدا و اسطوره‌های یونان باستان	
Error! Bookmark not defined. خدایان اولمپ	
Error! Bookmark not defined. مقدمه‌ای بر بررسی آراء نخستین فیلسوفان	
Error! Bookmark not defined. نخستین فیلسوفان	
Error! Bookmark not defined. طالس و «خدا»	
Error! Bookmark not defined. آناکسیمنس و مفهوم «خدا»	
Error! Bookmark not defined. اندیشه‌ی فیثاغورث در باره خدا	

Error! Bookmark not defined.....سوفسطائیان و مفهوم «خدا»

Error! Bookmark not defined.....نتیجه بررسی‌ها قبل از ظهور سقراط

Error! Bookmark not defined.....سقراط معلم افلاطون

Error! Bookmark not defined.....سقراط؛ دین و «خدا»

Error! Bookmark not defined.....افلاطون (428/7 ق.م - 348/7 ق.م)

Error! Bookmark not defined.....آثار افلاطون:

Error! Bookmark not defined.....مهم‌ترین آراء افلاطون:

Error! Bookmark not defined.....نظریه معرفت:

Error! Bookmark not defined.....یک: خطاناپذیری

Error! Bookmark not defined.....دو: تعلق به آنچه هست

Error! Bookmark not defined.....نفس (روح)

Error! Bookmark not defined.....کیهان‌شناسی افلاطون

Error! Bookmark not defined.....نظریه «مثل»

Error! Bookmark not defined.....خدا و مثل

Error! Bookmark not defined.....«مثال خیر»

Error! Bookmark not defined.....ایده یا مثال واحد

Error! Bookmark not defined.....«خدا» یا «خدایان»

Error! Bookmark not defined.....تحلیل‌های متفکران در باب «خدا از منظر افلاطون»

defined.

Error! Bookmark not defined.....فصل سوم: خدا در اندیشهٔ ارسطو

Error! Bookmark not defined.....زندگی و آثار ارسطو

Error! Bookmark not defined.....آثار ارسطو

Error! Bookmark not defined.....خدا در اندیشه او

Error! Bookmark not defined.....برهان محرک نامتحرک اول

Error! Bookmark not defined.....تبیین و بررسی برهان

<u>Error! Bookmark not defined.....</u>	<u>اما تبیین بیشتر این حرکت:</u>
<u>Error! Bookmark not defined.....</u>	<u>صورت محض، فعلیت مطلق.....</u>
<u>Error! Bookmark not defined.....</u>	<u>زندگی و فعلیت محرک نخستین.....</u>
<u>Error! Bookmark not defined.....</u>	<u>علم خدا.....</u>
<u>Error! Bookmark not defined.....</u>	<u>اتحاد عاقل و معقول.....</u>
<u>Error! Bookmark not defined.....</u>	<u>تحلیل‌ها از برهان غایت شناختی ارسطو.....</u>
<u>Error! Bookmark not defined.....</u>	<u>صفات خدا.....</u>
<u>Error! Bookmark not defined.....</u>	<u>خدایان در اندیشه ارسطو.....</u>
<u>Error! Bookmark not defined.....</u>	<u>نتیجه:</u>
<u>Error! Bookmark not defined.....</u>	<u>فصل چهارم: مقایسه آراء دو فیلسوف.....</u>
<u>Error! Bookmark not defined.....</u>	<u>افلاطون:</u>
<u>Error! Bookmark not defined.....</u>	<u>ارسطو:</u>
<u>Error! Bookmark not defined.....</u>	<u>اشکالات ارسطو به افلاطون:</u>
<u>Error! Bookmark not defined.....</u>	<u>«مثال خیر» و «خدای ارسطو».....</u>
<u>Error! Bookmark not defined.....</u>	<u>1 - نحوه وجود و شخصی بودن:</u>
<u>Error! Bookmark not defined.....</u>	<u>2- ارتباط با اشیاء محسوس:</u>
<u>Error! Bookmark not defined.....</u>	<u>3 - وحدت یا تعدد:</u>
<u>Error! Bookmark not defined.....</u>	<u>4 - موضوع علم و معرفت:</u>
<u>Error! Bookmark not defined.....</u>	<u>5 - نسبت حرکت و تغییر اشیاء:</u>
<u>Error! Bookmark not defined.....</u>	<u>6 - رابطه با انسان:</u>
<u>Error! Bookmark not defined.....</u>	<u>دمیورژ و محرک نخستین.....</u>
<u>Error! Bookmark not defined.....</u>	<u>شبهات‌ها به خدای ادیان ابراهیمی.....</u>
<u>Error! Bookmark not defined.....</u>	<u>تفاوت‌ها با خدای ادیان:</u>
<u>Error! Bookmark not defined.....</u>	<u>توحید:</u>
<u>Error! Bookmark not defined.....</u>	<u>خالق بودن:</u>

Error! Bookmark not defined.....: ربوبیت

Error! Bookmark not defined.....: معبود بودن

Error! Bookmark not defined.....: کیفر یا پاداش دادن

Error! Bookmark not defined..... نتیجه گیری

Error! Bookmark not defined..... فهرست منابع

مقدمه

در فلسفه سرشار اسلامی خدا به عنوان واجب الوجود و علت العلل در رأس همه امور جای دارد و مبحث خدا با عنوان الهیات برترین بخش این فلسفه است. این سؤال به ذهن می‌آید که در فلسفه غرب جایگاه خدا کجاست؟ نخستین فیلسوفان غربی درباره آن چگونه می‌اندیشیده‌اند؟ کتب تاریخ فلسفه غرب معمولاً با فلاسفه یونان باستان آغاز می‌شود که در میان آنها افلاطون و ارسطو شاخص‌ترین‌اند و سرتاسر تاریخ فلسفه غرب از آراء این دو متفکر متأثر است، برای یافتن پاسخ سؤال خود باید با دقت و انصاف در آثار برجای مانده از این دو فیلسوف تأمل نمود و با مدّ نظر قراد دادن شرایط آن روز جامعه یونان از نظر اعتقادات به تیبینی منصفانه رسید.

اولین مسأله و مشکل در این بررسی این است که آثار برجای مانده، حاکی از آراء این دو فیلسوف به تمامه نیست، چرا که ما به تعلیمات افلاطون در آکامی دسترسی نداریم و فقط از میان محاوراتی که خود او برای عامّه مردم منتشر نموده، قضاوت می‌نماییم و نیز درباره ارسطو، خصوصاً *ما بعد الطبیعیه* او. ما با دست‌نوشته‌های مواجهیم که خود او قصد انتشارش را نداشت و تالیف و تدوین درباره آنان رعایت ننموده است. علاوه بر این که اصل این آثار به زبان باستانی یونان اصلاً در دسترس ما نبوده و منبع ما ترجمه فارسی این آثار از روی نسخه آلمانی و انگلیسی می‌باشد! مسأله دیگر خصوصاً درباره افلاطون عدم ارائه یک نظریه منسجم و بدون شائبه از سوی او در باب خدا است به نحوی که مفسران آراء او به راحتی می‌توانند آراء متفاوت و گاه متناقض را به او نسبت داده و از جای جای آثارش برای آن شاهد بیاورند! و این تفسیرهای متفاوت کار را سخت می‌نماید.

مسلماً نزدیک و آشناترین افراد به این دو فیلسوف، شاگردان و متأثران آنها در همان دوره‌اند و تاثیر افکار این دو استاد در آنها و مکاتبی که به تبع آنها شکل گرفت، بسیار واضح است. اما ملاک ما در این پژوهش فقط آثار خود این دو متفکر است نه آراء متأثر از تفکر این دو. از این روی ما در اینجا با تفاسیر و تعبیر عرفانی افلاطون در باب «خدا» و حقیقت عالم و براهین و توصیفات متعالی «خدا» در فلسفه متأثرین ارسطو، سرو کار نخواهیم داشت و گاه فقط ارشادهای گذرا به آنها می‌شود.

نکته دیگر این که، فضای فکری امروزه ما قرن‌ها پس از این فیلسوفان و با آمدن تعالیم آسمانی دین اسلام و پشت سر داشتن آراء حکمائی بزرگ و روشن‌بین، با فضای آن روزگار جامعه یونان که این دو فیلسوف در آن سخن می‌رانده و به تألیف و تدریس می‌پرداختند، فاصله‌ای بسیار دارد و قبل از بررسی آثار آنها باید به تبیین فضای فکری آن دوره، افکار غالب جامعه آنان و روند تفکر فیلسوفان سلف آنها در این باب نیز عنایت داشت تا منصفانه‌تر تحلیل نماییم.

در طول این تحقیق فراز و نشیب‌هایی را پشت سر نهادیم و مشکلات به فضل الهی، آسان شد تا شاید این رساله شروعی برای پژوهش‌های مفصل و کامل‌تر دانش‌پژوهان در این زمینه باشد، اجر همه عزیزانی که در طول این دوره مرا یاری نموده‌اند نزد خدای متعال محفوظ می‌باشد. اما من نیز به رسم شکرگذاری از همسر عزیز و همراه همیشگی ام و کودک شکیبایم، نهایت سپاسگذاری را دارم و از اساتید و دوستانی که با راهنمایی‌های خود راه را هموار نموده‌اند، متشکر و ممنونم!

فصل اول:

کلیات

مفهوم شناسی

در بررسی کلیات اولین مسأله، یافتن شناختی نسبی از دو فیلسوف مد نظر و تعبیر و واژگان مهم و کلیدی در آثار آنان است، از این روی به ترتیب الفبای فارسی به معرفی مختصر افراد و مفهوم‌شناسی واژگان می‌پردازیم و توضیح و تفسیر بیشتر هم در معرفی افراد و هم بسط آراء آنان درباره مفاهیم کلیدی در فصل‌های آتی خواهد آمد.

افلاطون (438/7 ق.م - 348/7 ق.م)

نام او را آریستوکلس و افلاطون را لقبش می‌دانند¹، نامی که نگین تاریخ فلسفه‌هاست. متولد آتن (اژینا) است و مهم‌ترین شاگرد سقراط بوده است!² بنیان‌گذار «آکادمی» در آتن و استاد پژوهش‌گران بسیار در فلسفه و ریاضیات و نجوم و... بوده است. مهم‌ترین نظریه‌اش درباره «مثل» همیشه با پسوند «افلاطونی» ذکر می‌شود. صاحب اندیشه‌ای بلند و تأثیری به وسعت فلسفه و کلام مسیحی و اسلامی است. تا قرن‌ها آثارش تبیین و تفسیرهای عرفانی و مسیحی می‌شده است و دینی بزرگ بر متکلمان اولیه مسیحی دارد!³

ارسطو (384/3 ق.م - 322/1 ق.م)

فیلسوف صاحب نام یونان، پایه‌گذار منطق صوری و از چهره‌های بنام حکمت مشاء است. متولد استاگیرا در تراکیه یونان باستان است. پدرش پزشک و خودش نیز متمایل به علوم

1 - آنره کرسون *فلاسفه بزرگ*، ج 1، کاظم عبادی، ص 27.

2 - کاپلستون، همان، ص 156.

3 - ر.ک. *روح فلسفه در قرون وسطی*، اتین ژیلسون، ترجمه ع. داوودی.

تجربی بوده است¹، در هفده سالگی به آتن و آکادمی افلاطون آمد و تا مرگ استاد یعنی حدود بیست سال از او بهره برد.²

به دعوت فیلیپ پادشاه مقدونی در نوجوانی شاهزاده «اسکندر» در تعلیم و تربیت او تلاش نمود، که سیاست‌های جنگ‌افروزانه شاگرد، بعدها ارسطو را به دردرس انداخت تا حدی که باعث هجرتش از آتن شد.³

او نیز در آتن مدرسه‌ای به نام «لوکیوم» را تأسیس و به آموزش علوم آن روز پرداخت، وی صاحب آثاری در زمینه‌های مختلف از منطق و فلسفه و سیاست و اخلاق و... است.⁴

ایده (مثال، Idea / صورت، Form)

در لغت‌نامه‌ها به «انگار، مفهوم، صورت ذهنی، صورت عقلی، مثال، صورت معقول، دیدار، معقول و...» ترجمه شده⁵، اما در اصطلاح افلاطونی، کانتی و زیباشناختی نیز تبیین‌هایی دارد: در اصطلاح افلاطونی⁶: به معنی صورت مجرد و حقیقت معقول، ازلی، ثابت و قائم به ذات است که تغییر و فساد و فنا نمی‌پذیرد و ظاهراً این «ایده» هم اصل شناسائی – از این جهت که نفس به واسطه اندیشیدن به مثال یا ایده قادر به شناخت اشیاء است – و هم اصل هستی – مبدأ و اصل غیر مادی وجود است که عالم محسوس فقط تصویر و سایه‌ای از آن حقایق برتر و متعالی است – 7.

1 - هنری توماس بیزرگان فلسفه، فریدون بدره‌ای، ص 28.

2 - کاپلستون، تاریخ فلسفه غرب، ج 1، جلال‌الدین مجتبوی، ص 307.

3 - تئودور گمپرتس، فیلسوفان یونانی، ج 3، محمدحسن لطفی، ص 1245.

4 - دیوید راس، ارسطو، مهدی قوام صفری، ص 27.

5 - فرهنگ‌های بابائی، فرهنگ اصطلاحات فلسفه (انگلیسی، فارسی)، ص 175.

- ماری بریجانیان، فرهنگ اصطلاحات فلسفه و علوم اجتماعی، خرماشاهی، ص 388.

- آندره لالاند، فرهنگ علمی و انتقادی فلسفه، غلامرضا وثیق، ص 342.

- جمیل صلیبا، فرهنگ فلسفی، منوچهر صانعی دره‌بیدی، ص 574.

6 - ر.ک به: مجموعه آثار افلاطون، ترجمه حسن لطفی، ج 1 و 2 و 3 و 4.

7 - فردریک کاپلستون، فلسفه یونان باستان، ج 1، جلال‌الدین مجتبوی، ص 55.

افلاطون در «مکالمه فایدون» نمونه‌هایی از این ذوات مجرد مانند: «عدالت بذاته»، «زیبائی بذاته»، «خیر بذاته» و... را نام برده و در «مکالمه مهمانی» به تفصیل درباره «مثال زیبایی» سخن رانده است و «جمهوری» نیز از توصیفات «مثال خیر» مزین است!

اما مثال کانت به معنای صورت کاملی از داده‌های حس و تصورات ذهنی است که آن قانون و دستور فکر و عمل است. البته نه حقیقی عینی! 1

اصطلاح زیباشناختی مثال هم خیلی به بحث ما مرتبط نیست و مهم‌ترین نمونه این مثال «خوب یا خیر است» که مفهوم آن نیز بررسی شده است!

«خدا»: (الله / God)

در فرهنگ دهخدا: کلمه «خدا» نام ذات باریتعالی و مترادف «الله» است و اطلاق این لفظ در فارسی تنها بر خداوند تعالی صحیح است مگر در صورتی که مضاف به چیزی شود. 2

اما به طور کلی «خدا» در حوزه‌های مختلف کاربرد دارد و معانی آن متفاوت است:

«معنی اجتماعی: به معبود مردم اطلاق می‌شود و چنانچه در جوامع ابتدائی متداول بوده مانع تعدد و کثرت نیست. (چنانچه چندخدائی یا شرک در عبادت متداول بوده و در مقابل آن توحید است)

معنی اخلاقی: سرچشمه‌ی تمام ارزش‌های اخلاقی و ثبات دهنده‌ی نظام اخلاقی است («خدا» ضمانت اجرای اخلاقی در جامعه است).

معنی منطقی: مصدر نظام عالم و مبدأ عقل و اساس انطباق حقائق ذهنی و اشیاء عینی است.

معنی وجودی: «خدا» مبدأ تمام موجودات و نیز غایت همه‌ی آنهاست. سرچشمه‌ی تمام پدیده‌هاست و به سه صورت آمده است.

1- «خدا» جوهر و باطن موجود است. (موجودات از او برآمده‌اند).

2- «خدا» متعالی و مفارق از موجودات و خالق آنهاست (علت فاعلی همه چیز است).

3- «خدا» غایت عالم است. (او علت غائی است نه خالق مثلاً محرک اول و...)

است. 3

1 - ایمانوئل کانت، سنچس خرد ناب، میرشمس‌الدین ادیب سلطانی.

2 - علی اکبر دهخدا، لغت‌نامه دهخدا، ص 1955.

3 - دکتر جمیل صلیبا، فرهنگ فلسفی، منوچهر صانعی دره‌بیدی، ص 157.

اما تعریف «خدا» به طوری که همه‌ی کاربردهای اصلی این کلمه و کلمه‌های معادل آن را در زبان‌های دیگر شامل شود، بسیار مشکل و شاید غیر ممکن است، و «خدا» لزوماً به معنای «خدا» در فلسفه و کلام و یا فقه اسلامی (دارای صفات متعالی و...) نیست!

«خیر» (Bien, Good)

در لغت به معنای نیک، نیکی، خوبی، امر نیکو و خیر آمده است.¹

در اصطلاح فلسفی آن:

در فلسفه یونانی؛ خوب، عالی‌ترین درجه، تنها چیز است که در ذات خود خوب است و دیگر چیزها در رابطه با او وسایلی می‌باشند به خصوص از نظر ارسطو عبارتست از «هدف هر گونه فعالیت در جهان²» و از نظر افلاطون برترین مثال یا «خیر اعلی» است.³ فلسفه بوعلی سینا:

«خیر بطور کلی چیزی است که هر موجودی خواهان آن است و وجودش توسط آن

کامل می‌شود.»⁴

در فلسفه کانت عبارتست از:

«چیزی که همه انسان‌ها را راضی کند چه از حیث خرد و یا احساس و یا فعالیت.»⁵

در نظر بیشتر فیلسوفان «خیر مطلق» به معنی وجودی است که در ذاتش حدی و در

کمالاتش نهایی نباشد، زیرا او بذاته و لذاته خیر است.⁶

برخی فیلسوفان وجود را خیر محض و بالذات می‌دانند زیرا مستند به هستی خداوند است

و عدم را شر می‌دانند و غیر مستند به خداوند!

1 - بابائی، همان، ص 161؛ بریجانیان، همان، ص 80؛ صلیبا، همان، ص 345؛ لالاند، همان، ص 88.

2 - ارسطو، *مابعد الطبیعه*

3 - کاپلستون، همان، ص 201.

4 - بوعلی سینا، *اشارات*، نمط

5 - کانت، همان، ص 75

6 - صلیبا، همان.

«دمیورژ (صانع، Demiurgos)»

در لغت: اصل این لفظ در یونانی مرکب از دو جزء Demios به معنی عام و Ergon به معنای عمل است و معنی ترکیبی آن، عمل کننده در طریق عام یا آفریدگاری است که با دست کار را انجام می‌دهد¹، البته به فارسی به «کارگر و افزارمند²» هم ترجمه شده و برخی لغت‌نامه‌ها آن را به «عقل فعال»³ ترجمه کرده‌اند که گوئی نوعی تطبیق با فلسفه اسلامی در آن انجام شده.

افلاطون این لفظ را در کتاب «تیمائوس⁴» به معنی آفریدگار جهان یا خداوند به کار برده است ولی ظاهراً به تحلیل بسیاری صاحب‌نظران او بین خداوند متعال و «خدایان» مراحل پائین‌تر فرق گذاشته است! خدای متعال، خالق جهان است در حالی که این عبارت او بیش‌تر معنای صانع و سازنده از مادهٔ اولیه را می‌دهد و یا سازمان دهنده‌ای برای جهان! او در کتاب قوانین می‌گوید: ⁵ «در اینجا اشیائی هست که انسان نباید نسبت به آنها جاهل باشد، این جهان دارای صانعی است و صانع این جهان افعال خود را می‌داند.»

محرک (moteur)

در لغت به معنای جنباننده، هر چیزی که حرکت دهد، مولد حرکت، محرک آمده⁶، ولی ظاهراً «moreur» هرگز به کار نمی‌رود مگر از لحاظ ترجمه عبارات ارسطو «محرک اول» محرک ساکن، یعنی خداوند یا عمل محض که علت همه تغییرات و شدن‌ها در دنیا است ولی خودش هرگز تغییرپذیر نیست.⁷

1 - صلیبا، همان، ص 419.

2 - لالاند، همان، ص 175.

3 - بریجانیان، همان، ص 211؛ بابائی، همان، ص 88.

4 - افلاطون، همان، ج 3.

5 - افلاطون، همان، ج 4.

6 - بریجانیان، همان، ص 547؛ بابائی، همان، ص 256؛ صلیبا، همان، ص 583.

7 - لالاند، همان، ص 485.

البته کاپلستون تأکید می‌کند که محرک اول را نباید به طور زمانی فهمید، زیرا طبق نظر ارسطو حرکت بالضرورة ازلی است (آغاز کردن یا ناپدید شدن آن خود مستلزم حرکت است). بهتر است کلمه «اول» به معنی «اعلی» (supreme) فهمیده شود، محرک اول مبدأ سرمدی حرکت سرمدی است و «خدای خالق» نیست و در جاهائی هم سخن از تعدد آن شده است!¹

پیشینه بحث

در بررسی مختصری که انجام شد، کتاب یا مقاله‌ای که اختصاصاً به این موضوع پرداخته باشد، یافت نشد! اما پژوهش‌هایی مرتبط با بحث (که از آنها استفاده هم شده) از قرار زیرند:

- کتاب: *مثال خیر در فلسفه افلاطونی - ارسطونی* از «هانس گئورک گادامر» ترجمه دکتر

حسن فتحی

در این کتاب گادامر با بکارگیری روش هرمنوتیکی خویش در صدد اثبات وحدت بنیادین اندیشه افلاطون و ارسطو، به ویژه در حوزه اخلاق برمی‌آید و به حق در صدد «الجمع بین رأیی الحکیمین» است! او عمدتاً به رابطه میان نظر و عمل و به «خیر» می‌پردازد. او ابتدا اهمیت و جایگاه بحث از «مثال خیر» را بیان و سپس در آثار مختلف افلاطون جلوه «خیر» را می‌یابد و انتقاد ارسطو از «مثال خیر» افلاطونی را تبیین (یا توجیه) می‌نماید و ثمره این انتقاد را فلسفه‌ی عملی ارسطو معرفی می‌کند و

- اتین ژیلسون در کتاب (یا مقاله) *خدا و فلسفه* ترجمه شهرام پازوکی به تحلیل «مفهوم خدا» در فلسفه (یونانی، مسیحی، جدید و معاصر) پرداخته که بخش اول آن تحلیلی منطقی و منصفانه در باب آراء فلاسفه یونان باستان، خصوصاً افلاطون - که هرچند مختصر - اما مفید و جالب است!

- *فلسفه یونان از دیدگاهی دیگر* اثر الهه هاشمی حائری نیز تحلیلی از آراء یونانیان (خصوصاً پس از سوفسطائیان) در باب «خدا» ارائه کرده و در توضیح آراء افلاطون، گوئی «مفهوم خدا» را در اندیشه او با «خدای واجب الوجود» در حکمت متعالیه اسلامی کاملاً یگانه

گرفته و در باب صفات متعالی او از جای جای آثار افلاطون، شاهد مثال آورده و به بیان «برهان بر وجود ذات باری» و «توصیف ذات» پرداخته است!

- غلامرضا رحمانی پژوهشی به نام *هستی‌شناسی تطبیقی ارسطو* تألیف نموده که در آن، طی 6 فصل: موجود بما هو موجود، علل موجود و... بحث محرک نامتحرک را بیان ارسطویی و شرح تطبیقی کرده که تا حدودی به بحث ما مرتبط است، اما او در این کتاب داوری نهائی را به خوانندگان و پژوهشگران وانهاده است!

- اچ.پی. آون در *دیدگاهها در باره خدا* ترجمه حمید بخشنده در دو فصل دیدگاه‌های توحیدی و غیر توحیدی در باب خدا را طرح و در لابه‌لای مطالب برخی دیدگاه‌ها را برگرفته از اندیشه افلاطون یا ارسطو می‌داند!

فردریک کاپلستون در *تاریخ فلسفه یونان باستان* ترجمه جمال الدین مجتوبی نیز پس از معرفی افلاطون و نیز ارسطو به شرح و تبیین جالبی از آراء این دو حکیم پرداخته که در باب مثال «خیر افلاطونی» و نیز «محرک نخستین» ارسطو تا حدود زیادی «رنگ خدا» در اندیشه‌ی آنان را پررنگ نموده و در این پژوهش از آراء وی نیز بهره برده شده است!

کتاب *خدا در فلسفه* که ترجمه بخشی از دائرة المعارف فلسفی پل ادواردز» ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی است، در باب برهان‌هایی بر وجود «خدا» از نظریه «کیهان‌شناسی» افلاطون و نیز «محرک نخستین» بهره برده است، هرچند اکثر براهین ذکر شده از فلاسفه‌ی قرون وسطی به بعد نقل شده‌اند!

ضرورت بحث

کاروان علم و اندیشه، قرن‌هاست که بشر را در طول حیاتش همراهی می‌کند. یافته‌های عقل انسان هر روز وسیع‌تر می‌شود. علم تجربی، گردش چرخ تکنولوژی و اقتصاد را بر عهده گرفته و سرعت پیشرفت صنعتی رو به افزون است.

طب و روانشناسی، علوم اجتماعی و سیاسی همه در تکاملند، انسان حتی به آسمان و کرات هم دسترسی یافته و خود را حاکم مسلط طبیعت می‌داند! با تکیه بر علوم و فن‌آوری، بشر عقل خود را تنها ابزار مورد اطمینان یافته و در این عصر، دین و آموزه‌های الهی مورد شکل واقع

شده‌اند و بسیاری بی‌دینی و بی‌خدائی را برگزیده‌اند و اعتقاد به خدا را مسئله‌ای کهنه، غیر عقلانی و صرفاً تقلیدی می‌دانند.

اما نگاهی دوباره به تاریخ اندیشه‌ی بشر در زمانی که تکیه‌گاه او فقط عقل بوده و در جایی که ظاهراً هیچ نشانه‌ای از وحی و دین آسمانی نبوده، این نکته را روشن می‌نماید که آیا اعتقاد به خدا صرفاً امری دینی و یا سنتی است یا عقل به تنهایی هم می‌تواند به لزوم وجود موجودی برتر و ماورائی به عنوان «خدای یگانه و خالق» پی ببرد.

اگر صرفاً به عقل تکیه نمائیم و از تعصبات چشم‌پوشیم، آیا باز هم «خدائی» می‌ماند؟ و بالأخره اینکه عقل در باره‌ی «مفهوم خدا» تا کجا توانسته به تنهایی پیش برود؟ فلاسفه‌ی بزرگ یونان به عنوان بزرگ‌ترین متفکران بشری درباره‌ی خدا چگونه تفکری داشتند؟ اوج تفکر یونانی تا کجا ره‌یافت داشته است؟ این گونه پژوهش‌ها، می‌تواند پاسخی برای بهانه‌جویان، متفکر نمائی باشد که عقل و اندیشه را مدعی‌اند، اما از «خدای» عالم بی‌خبرند؟!

بیان مسأله

در این تحقیق «مفهوم خدا» در آثار به جای مانده از افلاطون و ارسطو، مورد بررسی واقع می‌شود، یعنی هر جا که لفظ «خدا» یا «خدایان» از سوی این فیلسوفان به کار رفته یا هر عبارتی که مرتبط با بحث خدا باشد؛ مثلاً: نفس و ماوراء الطبیعه و... مورد عنایت است! هدف در این تحقیق آشکار کردن توانایی عقل بشری است در دریافت و تحلیل موضوعاتی اساسی چون «خدا در جهان» و پی بردن به محدوده‌ی توانائی عقل در این زمینه، که چون یونانیان متفکرانی بزرگ و در رأس آنها، افلاطون و ارسطو، داشته‌اند، بهترین گزینه برای این تحقیق‌اند!

تاریخ فلسفه‌ی یونان که از طالس آغاز می‌شود، نقطه‌ی آغاز و نظرات بلند ارسطو پایان‌بخش این مقوله‌اند، هر چند نوافلاطونیان نیز سخن‌های بسیار «درباره‌ی خدا» داشته‌اند اما به دلیل شبهه‌ی ورود عقائد دینی «یهودی و بعدها مسیحی» در افکار آنان و نیز محدودیت تحقیق به آنها پرداخته نشده است!

منابع مورد استفاده عموماً مجموعه آثار افلاطون [ترجمه فارسی] و ارسطو است، هرچند از کتب تاریخ فلسفه - تمدن و ادیان برای پی بردن به زمینه و شرایط زندگی فیلسوفان یونان نیز بهره برده‌ایم! - یافته‌های این بررسی حاکی از این است که بشر هر جا به تفکر و تعمق فلسفی روی آورد، لزوماً به وجود موجودی برتر و خدائی یگانه، پی می‌برد! هرچند فیلسوفان یونان به دلیل تنگنای فرهنگی و محدودیت علم در شناخت جهان نتوانستند تبیین کاملاً صحیحی از «مفهوم خدا» داشته باشند، اما بررسی سیر تفکر آنان، نشان‌دهنده پیشرفتی قابل ملاحظه است. و البته باید توجه داشت که حتی کامل‌ترین عقل بشری هم در حوزه‌های ماوراء الطبیعه بدون مدد وحی الهی، نمی‌تواند به نتایجی کامل و صحیح در رده حکمت متعالیه برسد!

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقر العلوم علیه السلام می باشد

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقر العلوم علیه السلام می باشد